



«ذکر» به چه معناست/ آیا فقط با زبان می‌توان ذکر خدا را گفت

گاهی یک فعل از آن جهت که یادآور خداست ذکر نامیده می‌شود گر چه آن فعل با دست یا پا یا سایر اعضا انجام شده باشد؛ چراکه ذکر به معنای یاد خداست و اختصاص به قلب ندارد.

گاهی یک فعل از آن جهت که یادآور خداست ذکر نامیده می‌شود گر چه آن فعل با دست یا پا یا سایر اعضا انجام شده باشد؛ چراکه ذکر به معنای یاد خداست و اختصاص به قلب ندارد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، واژه «عبادت» در اصل به نظر بسیاری از واژه‌شناسان به معنای «خضوع» است و طبری در تفسیر «جامع البیان» می‌گوید: اصل عبودیت که به نظر او شامل عبادت نیز می‌شود، نزد همه عرب به معنای ذلت و خاکساری است.

آگاهی عمیق و بصیرت و اندیشه در دین، رمز ارزشمندی کارها و عبادات است و بدون آن عمل، فاقد ارزش لازم است لذا یکی از مواردی که می‌تواند ما را در انجام عبادت، راغب کند پی‌بردن به حکمت عبادات است.

آیت‌الله جوادی آملی از جمله کسانی است که به طور مفصل درباره حکمت و فلسفه اعمال عبادی دین مبین اسلام سخن گفته است. آنچه در ادامه می‌خوانید به بیان «ذکر و انواع آن» می‌پردازد که برگرفته از بیانات این عالم فرزانه است.

عبادت خداوند که در چهره‌های گونه‌گون تجلی می‌کند، در صورت «ذکر» نیز به عنوان خاص ظهور دارد به طوری که ذکر خدای سبحان از بارزترین مصادیق پرستش اوست.

ذکر خداوند همانند بخش دیگر از عبادت به انحای متعدد قسمت می‌شود، مانند ذکر عام و ذکر خاص. ذکر عام؛ آن است که اختصاصی به موجود معین ندارد، بلکه در هر چیزی یافت می‌شود، یعنی تمام اشیا به یاد خداوند به سر می‌برند، ذکر خاص؛ آن است که مخصوص نوع معین از مخلوق‌هاست و در آنها یافت می‌شود، مانند ذکر خصوص فرشته یا خصوص انسان.

تقسیم دیگر لازم به لحاظ قلب و قالب است، و این قسم همان است که گاهی از او به ذکر قلبی و ذکر زبانی یاد می‌شود، البته چنین تقسیمی مختص به قلمرو انسان نیست؛ زیرا موجودات ذی‌شعور دیگر، گاهی به فکر خدا هستند که همان ذکر قلبی آنهاست و گاهی به زبان ویژه خویش به نام خداوند به سر می‌برند که همان ذکر لسانی آنهاست.

ذکر گاهی در برابر غفلت، سهو، نسیان و مانند آن به کار می‌رود که در این گونه موارد به عنوان تذکره، تذکر و نظایر آن استعمال می‌شود و زمانی در مقابل خمول و خمود به کار می‌رود که در این گونه موارد به عنوان نامور، نامدار، نام‌آور و مانند آن استعمال می‌شود. ذکر گاهی به معنای مصدري و وصفی است، مانند یاد خدا بودن، نام خدا را بردن و در زبان جاری کردن و زمانی به معنای شیء یا شخصی است که خود مصداق ممثل یا مجسم یاد خداست و نیز سبب یادآوری خداوند است چنانکه خود صاحب نام بوده و مایه نامور شدن دیگران می‌شود، مانند اطلاق عنوان ذکر بر قرآن کریم یا بر شخص رسول اکرم (ص) که این موجودهای نورانی گذشته از آنکه خود ذکر ممثل و مجسم‌اند سبب احیای نام خدا بر زبان و یاد او در دل هستند چنانکه مایه نامور شدن جامعه متذکر به یاد خدا خواهند بود.

ذکر زبانی

ذکر زبانی همان‌طور که در برابر ذکر قلبی قرار می‌گیرد در قبال ذکر فعلی و عملی نیز واقع می‌شود، یعنی گاهی یک فعل از آن جهت که یادآور خداست ذکر نامیده می‌شود گر چه آن فعل با دست یا پا یا سایر اعضا انجام شده است؛ زیرا ذکر به معنای یاد خداست و اختصاص به قلب ندارد بلکه هر کاری که نمودار یاد پروردگار باشد، ذکر او است. گاهی سکوت و خاموشی ذکر خداست و این معنا نه از آن جهت است که چون صمت و خاموشی با فکر، تدبیر، تأمل همراه است و این عناوین یادآور خداوند است.

به این مناسبت عنوان ذکر بر سکوت اطلاق می‌شود، زیرا در این حال، اطلاق ذکر بر سکوت از قبیل وصف به حال متعلق موصوف

است، نه خود موصوف؛ بلکه از آن جهت است که خود صمت، خموشی و سکوت لازم یا راجع است، جایی که سخن گفتن منشأ فتنه، یا سبب شنیدن سخن نامحرمانه بیگانگان باشد، خود سکوت ذکر خداست، چنانکه اگر صمت و خموشی سبب پدید آمدن حالت تفکر، تدبیر، اتعاظ و مانند آن باشد از آن لحاظ که وسیله کمال است و پایه تعالی محسوب می‌شود، به عنوان مقدمه نه اصل، مصداق صحیح ذکر خواهد بود.